

پیامدهای اقتصادی بحران امنیت در ایران (مطالعه موردی: دوره جنگ جهانی اول)

محمد نعمتی^۱، رضا بیگدلو^۲

تاریخ دریافت:
۹۳/۰۵/۰۵
تاریخ پذیرش:
۹۳/۱۰/۱۴

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات
تاریخ انتظامی
سال اول، شماره سوم، زمستان
۱۳۹۳

از صفحه ۴۷ تا ۷۶

گرچه تا چند دهه قبل تفکیک علوم و عدم انجام مطالعات بین‌رشته‌ای جریان حاکم در مطالعات علوم اجتماعی - انسانی به‌ویژه دانش اقتصاد بوده است، اما مباحث روش‌شناسی در چند دهه اخیر ضعف این رویکرد را تا حدی نشان داده است و امروزه جای خود را به مطالعات و آموزش‌های بین‌رشته‌ای داده است. بدون شک دانش اقتصاد و تاریخ دو رشته‌ای هستند که ثمربخش بودن آنها به بیشترین حجم مطالعات بین‌رشته‌ای نیاز دارد. این مطالعات بین‌رشته‌ای تاریخی، خود، می‌تواند به‌عنوان یک پیش‌نیاز و گامی ضروری در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تلقی شود. به‌نظر می‌رسد دوره جنگ جهانی اول در ایران برهه‌ای از تاریخ امنیتی و اقتصادی کشور است که بیشترین تأثیر و تأثر این عوامل را بر هم داشته است. مسئله اصلی این مقاله تبیین رابطه تغییر شاخص‌های اقتصادی به‌واسطه تغییر در شاخص‌های امنیتی هست که تلاش شده به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع تاریخی- روش تحلیلی و توصیفی- به آن پاسخ داده شود. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان از رابطه وثیق بین این دو دسته متغیرها دارد و نشان می‌دهد هرگونه تغییر در شاخص‌های امنیتی در کشور و سیاست‌گذاری‌های مربوط به آن، پیامدهای اقتصادی خاصی برای کشور به‌همراه خواهد داشت.

کلید واژه‌ها

بحران امنیت، بحران اقتصادی، شاخص امنیت، جنگ جهانی اول.

۱- استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام:
nematy@isu.ac.ir

۲- استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه تحقیقات و مطالعات ناجا.
bigdelor@gmail.com

۱- مقدمه

یکی از ضعف‌های عمده در نظریه‌پردازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های علوم اجتماعی به‌ویژه مباحث توسعه و اقتصاد کشور، عدم مراجعه به تاریخ و کاوش در بسترهای زمانی و مکانی گذشته‌های دور و نزدیک کشور می‌باشد. در نگاه نخست به نظر می‌رسد که مسائل و چالش‌های مختلفی که در جامعه ایرانی با آنها مواجه هستیم، همگی تازگی دارد و مسائلی نوپدید هستند؛ اما کاوش، تأمل و تورق کتاب‌های تاریخی به‌زودی نشان می‌دهد که در بیشتر این موارد نگاه ما درست نبوده است. در بیشتر موارد مسائل و مشکلات امروز ما، شبیه مسائل و مشکلات نسل‌های گذشته ما و شبیه مسائل و مشکلات نسل‌های گذشته سایر کشورها می‌باشد؛ از همین‌رو به نظر می‌رسد نظریه‌ها و تبیین‌های امروزی از چالش‌های امروزی، بدون توجه به بافتار اجتماعی و فرهنگی این وقایع و سیر تحول تاریخی موضوعات و چالش‌های امروز به‌ویژه مسائلی که در الگوی پیشرفت کشور باید لحاظ گردد، نمی‌تواند پشتوانه قابل اتکایی برای سیاست‌گذاران کشور باشد و حتی به‌کارگیری این نظریه‌ها آثاری زیان‌بار خواهد داشت. مطالعات بین‌رشته‌ای و تاریخی می‌تواند این کاستی در نظریه‌پردازی اقتصاد و امنیت و هر حوزه فکری و اجتماعی دیگر را جبران نماید و طریقی قابل اتکا فراروی سیاست‌گذاران قرار دهد و با همین رویکرد است که مرزهای تصنعی بین علوم اجتماعی و مباحث تفکیک علوم، امروزه درنور دیده شده است. نظریه‌پردازی اقتصاد بدون توجه به تاریخ سیر تحولات اندیشه‌ای و توجه به وقایع تاریخی می‌تواند گمراه‌کننده باشد و برعکس، نظریه‌پردازی اقتصادی به روش مطالعات بین‌رشته‌ای - تاریخی می‌تواند درس‌های آموزنده بسیاری برای امروز ما داشته باشد و استواری نظریه و راه‌کارهای ارائه شده برای امروز جامعه تا حد زیادی به چنین روش‌های پژوهشی

بستگی دارد. اقتصاد و امنیت دو موضوع مهمی است که انتظار می‌رود به شکلی کامل‌تر از گذشته در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای ساماندهی امور مربوط به آن‌ها در جامعه، موضوع نظریه‌پردازی قرار گیرند و بر اساس روشی که در فرازهای فوق به آن اشاره شد، تاریخ وقایع اقتصادی و ریشه‌یابی عوامل مؤثر بر آن به‌ویژه بررسی تأثیر مؤلفه‌های امنیت بر شاخص‌های اقتصادی خود می‌تواند درس‌هایی قابل توجه برای مطالعات اقتصادی و امنیتی، هم‌چنین سیاست‌گذاران اقتصادی و امنیتی داشته باشد.

به نظر می‌رسد دوره جنگ جهانی اول در ایران برهه‌ای از تاریخ امنیتی و اقتصادی کشور است که این عوامل بیشترین تأثیر را بر هم و تأثیر را از هم داشته‌اند. در این پژوهش تلاش شده است تا با ارائه و تبیین مفاهیم و شاخص‌هایی از «پیامدهای اقتصادی» و «امنیت»، ضمن مراجعه به آثار تاریخی در دسترس و وقایع ثبت شده این دوره، معناداری تغییر شاخص‌های اقتصادی به‌واسطه تغییر در شاخص‌های امنیتی با مطالعه همین متغیرها در یک دهه قبل و بعد از جنگ در کشور بررسی شود. سؤال و مسئله اصلی مقاله تبیین پیامدهای اقتصادی بحران امنیت در کشور در دوره جنگ جهانی اول است؛ در پاسخ به این سؤال و مسئله چند سؤال فرعی دیگر مطرح می‌شود که ابتدا باید به آن‌ها پاسخ داده شود:

- امنیت چیست و بحران امنیت با چه شاخص یا شاخص‌هایی مشخص می‌شود؟

- بحران اقتصادی چیست و با چه شاخص یا شاخص‌هایی مشخص می‌شود؟

فرضیه این تحقیق، بحران اقتصادی دوره جنگ جهانی اول را نتیجه بحران امنیت در این دوره می‌داند. در این راستا در ادامه در بخش دوم مقاله ابتدا مفهوم امنیت مورد بررسی قرار

می‌گیرد. در بخش سوم بر اساس مفهومی که در بخش دوم بیان و ارائه می‌شود ابعاد و مؤلفه‌های امنیت طرح می‌شود و در راستای هدف پژوهش که بررسی پیامدهای اقتصادی بحران امنیت در اقتصاد ایران می‌باشد، ناگزیر شاخص‌های امنیت ارائه می‌شود. در بخش سوم و چهارم رابطه امنیت و اقتصاد بررسی می‌شود. بخش‌های سوم و چهارم مقاله کنکاش در آرا و کتب تاریخی به دنبال تبیین وقایع و داده‌های امنیتی و اقتصادی در سه دوره: مشروطه تا آغاز جنگ، دوره جنگ و دوره پس از جنگ تا حکومت پهلوی دوم می‌باشد، تا تغییرات عمده شاخص‌های امنیتی و اقتصادی در دوره جنگ، معناداری خود را نشان بدهد. هفت شاخص وقوع بحران امنیت و شش شاخص اقتصادی که در این دو بخش مورد بحث قرار می‌گیرند، شاخص‌هایی هستند که بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد، بر اساس مبانی نظری ارائه شده در مقاله، در دوره جنگ جهانی اول تغییرات معناداری داشته‌اند و به معنای برشماری تمام شاخص‌های امنیتی و اقتصادی نمی‌باشد. و سرانجام در بخش پایانی مقاله نتیجه‌گیری و چگونگی تأثیر و تأثرات مؤلفه‌های اقتصادی از مؤلفه‌های امنیتی و درس‌های این مطالعه برای امروز کشور ارائه خواهد شد.

۱-۱- سابقه پژوهش

در خصوص جنگ جهانی اول و آثار آن در ایران پژوهش‌های ارزشمند قابل توجهی شده است. محمدقلی مجد (۲۰۰۳) در کتاب «قحطی بزرگ و مرگ و میر در ایران» به بررسی و تحلیل جامعی از تلفات قحطی پرداخته است. آمار تلفات انسانی این جنگ در ایران از موضوعات مهم و مناقشه‌برانگیز است که این تحقیق منبع و مآخذی مهم در این خصوص تلقی می‌شود. کار ارزشمند مجد فقط بر موضوع تلفات انسانی جنگ متمرکز بوده است و پژوهشی صرفاً تاریخی محسوب می‌شود. چنین

پژوهشی برای هیچ یک از سایر پیامدها و ابعاد جنگ جهانی اول در ایران به چشم نمی‌خورد. کتاب «گنج شایگان» محمدعلی جمالزاده (۱۳۶۲) از این بعد که شامل عدد و رقم‌های مختلفی است، از کتب ارزشمندی هست که می‌تواند منبعی برای بررسی وقایع اقتصادی ایران باشد. به‌ویژه آن‌جا که مقایسه تغییرات قیمت کالاهای اساسی را روایت می‌نماید و البته باید توجه داشت که کتاب، مجموعه‌ای از آمار اقتصادی و گزارش‌ها را شامل می‌شود که هیچ‌گونه تحلیل و تبیینی از وقایع و چرایی رخداد آن‌ها را در بر ندارد. شاید «مقاومت شکننده» جان فوران (۱۳۷۷) از معدود کتبی باشد که وقایع تاریخی و رخدادهای اجتماعی ایران را در قالب یکی از نظریات توسعه، بررسی و تبیین می‌نماید. از میان گزارش‌ها و مباحثی که در خصوص جنگ جهانی اول در ایران داشته می‌توان به اطلاعات ارزشمندی در رابطه با موضوع این مقاله دست یافت و البته در این بخش از کتاب، فوران اتفاقات و رخدادهای ناشی از جنگ به‌ویژه پیامدهای اقتصادی آن را در چارچوب نظریه‌ای خاص بررسی نکرده است.

در خصوص مفهوم امنیت و مؤلفه‌های آن کتب و مقالات ارزشمندی ترجمه و تألیف شده است که در این مقاله از آن‌ها استفاده شده است. اما با توجه به اینکه نویسندگان این مقاله خود در این زمینه دیدگاهی متفاوت و جدید داشته‌اند به سایر کارها کمتر ارجاع داده شده است و نظریه خود را بیان کرده‌اند. در حوزه دانش اقتصاد هم گرچه مکتب کلاسیک به مطالعات تاریخی توجهی ندارد، اما رویکردهای رقیب مانند نهادگرایان و به‌ویژه نهادگرایان جدید به مطالعات تاریخی توجه خاصی دارند و البته در اقتصاد ایران هنوز چنین رویکردهایی در ابتدای راه هستند؛ از این‌رو، این مقاله را شاید بتوان از جمله این گام‌های نخستین محسوب کرد.

۱-۲- چارچوب نظری پژوهش

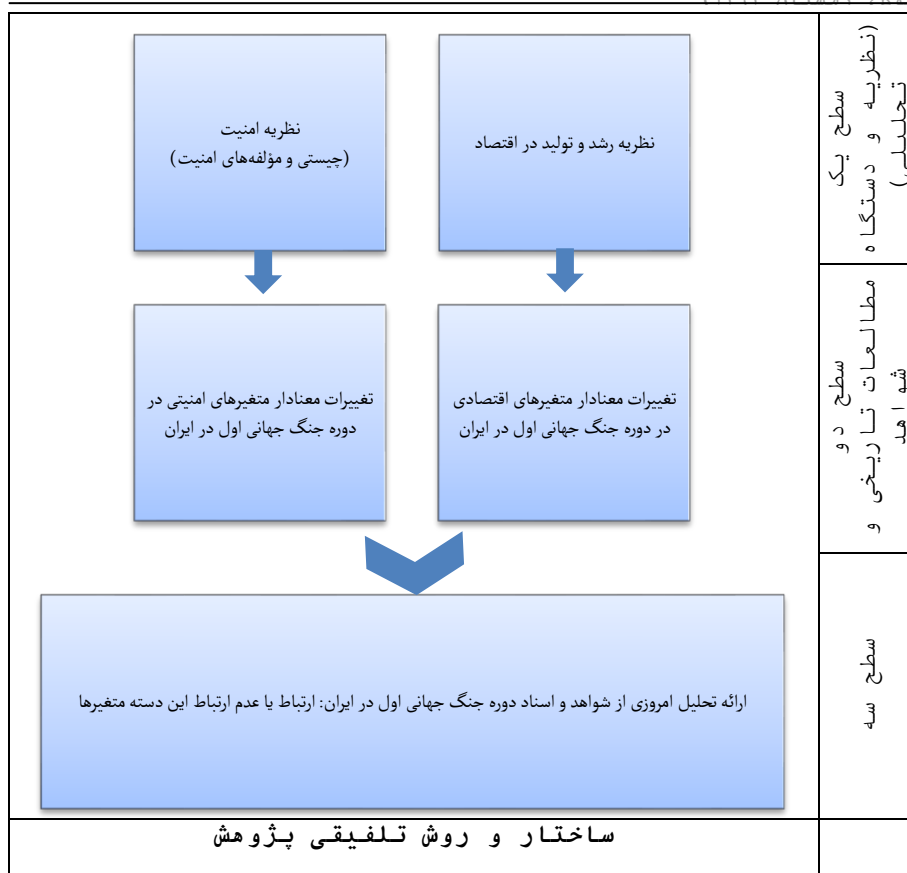
نوآوری این مقاله را شاید بتوان در روش تلفیقی آن دانست. معمولاً نظریه‌های رشد و نظریه‌های تولید در مباحث اقتصادی بدون مراجعه به داده‌های تاریخی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر مطالعات تاریخی فاقد دستگاهی تحلیلی هستند و از ساحت علوم اجتماعی به‌ویژه اقتصاد تهی هستند. دستگاه تحلیلی و چارچوب نظری برگرفته از علوم اجتماعی، مانند اقتصاد به‌عنوان یکی از عرصه‌های مهم زندگی اجتماعی، مطالعات تاریخی را روشمند، منسجم و هدفدار می‌نماید و با کمی اغماض می‌تواند آزمایشگاهی برای تأیید و رد نظریه محسوب گردد. به عقیده مک موری، «زندگی واقعی مستلزم توجه به روابط میان حوزه‌های مختلف دانش است. حوزه‌های علمی مجزا، چیزی است که در دنیای خارج مابه‌ازایی ندارد و فقط در کتب درسی ظهور پیدا می‌کند» (نیلی احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۲۱). این مقاله از روش تلفیق از نوع میان‌رشته‌ای^۱ استفاده می‌نماید. این روش اساساً موضوع‌محور است و مفهوم‌ها، مبانی، روش‌ها، موضوع‌های کلی و اصول مشترک بین دو یا چند رشته مورد توجه و بحث و بررسی قرار می‌گیرد (پیغامی، ۱۳۸۷: ۱۸۳)؛ براین اساس مفهوم امنیت و بحران‌های اقتصادی و امنیتی که مفاهیمی انتزاعی و چندبعدی هستند را نمی‌توان از دریچه کوچک یک رشته علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و برعکس استفاده از روش تاریخی (مطالعه اسنادها و تأکید بر اتقان سندها) و بهره‌مندی از مفاهیم مطرح شده در حوزه امنیت و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، در دستگاه تحلیلی نظریات دانش اقتصاد، دستاوردی تلفیقی و قابل اعتنا و

1- Inter - disciplinarity

جهت آشنایی با انواع رویکردهای تلفیق در آموزش و پژوهش به دو مقاله ارزشمند زیر می‌توان مراجعه داشت: پیغامی، (۱۳۸۷) و (پاکتچی، ۱۳۸۷).



اتکا برای سیاستگذاری‌های اقتصادی و امنیتی
امروز ما خواهد داشت.



بنابراین در پاسخ به این سؤال که در این مطالعه و مقاله چرا از میان انبوه متغیرها، دو دسته (در هر دسته حداقل شش متغیر) متغیر به‌عنوان متغیرهایی که می‌توانند شاخصی برای بحران امنیت و پیامدهای اقتصادی آن باشند، انتخاب شده است، باید به این چارچوب نظری اشاره شود. در این مقاله به دو نظریه نیازمند هستیم:

- نظریه‌ای که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رشد و تولید اقتصادی را تبیین نماید؛

- نظریه‌ای که بر اساس آن ماهیت امنیت و متغیرهای جایگزین^۱ برای این مفهوم را توضیح دهد.

۱-۳- نظریه رشد و تولید^۱ در اقتصاد

ثبات و رشد یک اقتصاد - اقتصاد به معنای ساده فضای کسب و کار و تولید- به عوامل مهمی بستگی دارد که در دانش اقتصاد مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این دو مقوله، ثبات و رشد، مهم‌ترین موضوعات مورد بررسی در شاخه اقتصاد کلان می‌باشند. در مقابل مفاهیم ثبات و رشد، مفاهیم بی‌ثباتی (شرایط تورمی، رکود، رکود تورمی و ...) و بحران اقتصادی مطرح می‌شود که هدف از مطالعات موجود دانشگاهی و کلاسیک ارائه راه‌حل‌ها جهت از بین بردن این معضله‌های اساسی و کلان جوامع می‌باشد. در این خصوص کتاب «اقتصاد سیاسی رشد» عجم‌اوغلو^۲ را شاید بتوان کامل‌ترین کتاب که ضمن برخورداری از تحلیل‌های تاریخی، مرز دانش اقتصاد کلان در موضوع رشد اقتصادی را ترسیم می‌نماید، دانست. عجم‌اوغلو فراز و نشیب‌های اقتصاد کشورهای مختلف را در دو سطح قابل بررسی می‌داند:

- در سطح عوامل قریب و نزدیک^۳ مؤثر بر رشد اقتصادی

- در سطح عوامل بنیادین^۴ تأثیرگذار بر رشد اقتصادی (acemoglo,2009:123-4)

عوامل قریب و نزدیک، همان عواملی هستند که در مطالعات اقتصاد کلان و رشد اقتصادی (جریان غالب و کلاسیک اقتصاد) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. این عوامل همان عوامل تولید هستند که با مفهوم فناوری با تولید مرتبط می‌شوند:

$$Q=A*f(K,L,M, \dots)$$

Q نشان‌دهنده تولید، A نشان دهنده تغییرات فناوری و نوآوری‌ها، K سرمایه فیزیکی، L نیروی

1- Growth and production theory

2- Acemoglo, daron. Introduction to modern economy growth.

3- Approximate factor

4- Fundamental factor

کار یا سرمایه انسانی و M مدیریت یا نیروی انسانی ماهر را نشان می‌دهد؛ بنابراین بسته به شرایط و نوع فناوری‌ها در هر اقتصادی این نوع عوامل طیف وسیعی را می‌تواند شامل شود که نوع و هدف پژوهش انتخاب بخشی از آن‌ها را مشخص می‌نماید.

عجم اوغلو عوامل بنیادین رشد اقتصادی و شرایط کشورها را در چهار دسته تقسیم‌بندی می‌نماید:

- عوامل مرتبط با شانس و اقبال اقتصادها؛^۱
- عوامل مرتبط با جغرافیای یک اقتصاد؛^۲
- عوامل مرتبط با فرهنگ افراد جامعه؛^۳
- عوامل مرتبط با نهادها؛^۴.

البته باید توجه داشت که دسته دوم عوامل (عواملی که در رویکردهای هترودوکس اقتصاد مانند نهادگرایی مورد نظر هستند) در یک دوره بلندمدت مد نظر است و در کوتاه‌مدت به راحتی تغییر نمی‌نمایند و به همین دلیل در این مقاله هم که دوره جنگ جهانی اول را مد نظر قرار داده، نشان دادن تغییر این عوامل بسیار مشکل و شاید بتوان گفت تغییر آنها در یک دوره چند ساله بسیار دور از انتظار است؛ لذا در بخش سوم مقاله بیشتر بر عواملی از نوع سطح اول تمرکز خواهیم داشت.

۱-۴- هستی‌شناسی امنیت و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (نظریه امنیت)

اگر بخواهیم در کنار کالاهای خصوصی^۵ مانند غذا، پوشاک و سرپناه که از ضروریات اولیه

1- The luck hypothesis
2- The geography hypothesis
3- The culture hypothesis
4- The institutions hypothesis
5- Private commodity

زندگی انسان هستند از کالاهای عمومی^۱ چند کالا نام ببریم، بدون شک امنیت نخستین آنهاست؛ چراکه بدون آن زندگی بشر تفسیری ندارد و بدون آن نوبت به بهره‌مندی انسان از سایر مواهب زندگی نمی‌رسد. در نگاه اول مفهوم امنیت به مانند سایر مفاهیم در علوم اجتماعی، مفهومی بسیط و ساده به نظر می‌رسد؛ اما به محض اراده در تولید این کالای عمومی که شامل تدوین سیاست‌ها، اجرا و نظارت می‌باشد، با دشواری تبیین موضوع و طیف گسترده از تعاریف روبرو هستیم. البته به نظر می‌رسد این تفاوت در تعریف و تبیین مفاهیم امری اجتنابناپذیر است تا تفاوت در ارزش‌ها و باورهای بنیادین افراد وجود دارد، این تفاوت‌ها در نظریه‌ها و نظریه‌پردازی‌ها در ساحت علوم اجتماعی وجود دارد و خواهد داشت.

در خصوص تبیین مفهوم امنیت، پژوهش‌های ارزش‌مندی در فارسی شده است؛ برخی از این تبیین‌ها عبارتند از:

- «رهایی از خطر» (کریمایی، ۱۳۸۹: ۳۹)؛
- «ایمن شدن و در امان ماندن» (معین، ۱۳۶۲: ۳۵۴)؛
- «توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدهای خارجی» (وطن‌پور، ۱۳۸۶: ۶۹)؛
- «دوری از خطر و تهدید و ثبات کشور بر اساس ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قومی، عقیدتی و نظامی» (همان: ۷۰).

آقای وطن‌پور در مقاله «درآمدی نظری به مسئله امنیت ملی» بیش از پانزده تعریف از امنیت و امنیت ملی را از مجموع متون فارسی و انگلیسی بیان کرده‌اند. مهم‌ترین کلیدواژه‌ها که

1- Public commodity

در این تعاریف ارائه شده‌اند عبارتند از: حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، حفظ مالکیت‌ها، حفاظت از جامعه، حفاظت از ارزش‌ها، پاسداری از بقای سیاسی و ایجاد رفاه اقتصادی. تأملی در همه این اصلاحات و مفاهیم نشان می‌دهد که ما برای تبیین مفهوم امنیت به مجموعه‌ای از مفاهیم متوسل شده‌ایم که خود آن‌ها کمتر از مفهوم امنیت بی‌ابهام نیستند:

حفظ مالکیت: مالکیت چیست و چگونه تعریف می‌شود؟ گستره‌ای از نظریات به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند و یکی از وجوه افتراق مکاتب اقتصادی است.

حفاظت از جامعه: منظور از جامعه و تفکیک بین حوزه شخصی و اجتماعی، خود، مقوله‌ای پیچیده‌تر از مفهوم امنیت است.

حفاظت از ارزش‌ها: ارزش‌ها کدامند؟ مرجع تعیین ارزش‌ها چیست یا کیست؟ خود، بحثی مفصل در حوزه فلسفه اخلاق و موضوعات مرتبط با مفهوم عدالت است.

همین‌طور می‌توان نشان داد که سایر مفاهیمی که برای توضیح امنیت استفاده شده‌اند، خود، نیاز به تبیین بیشتر دارند. به نظر می‌رسد اگر بخواهیم از سردرگمی این اختلاف‌ها و پیچیدگی‌ها رهایی یابیم و مطمئن از ارائه مراد و منظور خود از مفهوم امنیت باشیم، چاره‌ای نیست که اختلاف برداشتها و برشماری ابعاد امنیت را به الگوهای مختلف زندگی در جوامع تحویل نماییم؛ بنابراین در این مقاله جهت تبیین مفهوم امنیت به‌جای مفاهیمی که به نظر، خود، نتیجه امنیت هستند (مانند رفاه اقتصادی، آسایش، عدم تهدید و...) به مفهومی متوسل می‌شویم که خود، الگوهای مختلفی از امنیت را ایجاد می‌کند و این مفهوم چیزی نیست به غیر از مفهوم بنیادی «الگوی سبک زندگی» که در کشور ما با نام

«الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» می‌خواهیم آن را از سایر الگوهای سبک زندگی متمایز نماییم.

این الگو، سبک زندگی جامعه ایرانی را مشخص می‌نماید، چارچوب‌های رفتار بردار انسانی (فرد انسانی در جایگاه‌های مختلف اجتماعی- اقتصادی: فرد، خانواده، خویش و قوم، منطقه، جامعه و ... یا مصرف‌کننده، تولیدکننده، سرمایه‌گذار، دولت و ...) در زمان و مکان‌های مختلف را ترسیم می‌نماید. این الگو همچنین نوع روابط، حدود تعاملات و مجازات‌های عبور از این حریم‌ها یا شکستن آنها را تعیین می‌کند. این الگوی نظری، زمانی در جامعه متبلور می‌شود که ارزش‌ها و چارچوب‌های آن مورد پذیرش اکثریت آحاد افراد جامعه قرار گیرد. اجرا و پایبندی به این الگو که ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد به معنای وجود امنیت است، به عبارتی در هستی‌شناسی (چیستی) امنیت، به باور این مقاله، باید به «اجرا و پایبندی به یک الگوی سبک زندگی» اشاره شود.

از طرفی دیگر هر نوع تهدید کل این الگوی سبک زندگی، بخشی از آن یا عمل به غیر از آنچه در این الگو عقلانی و عادلانه پنداشته شده است، غیر عقلایی، ناعادلانه و ناامنی تلقی می‌شود. شاید با چند مثال بهتر بتوان هستی و چیستی امنیت را براساس این تعریف واضح ساخت:

مثال سیاست بین‌الملل: اگر طبق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت قرار باشد کشور دارای هویتی مستقل باشد و این استقلال خود، ارزشی بنیادین محسوب شود، هر نوع تهدید حاکمیت کشور چه از خارج و چه از سوی مخالفان داخلی، یک منبع ناامنی می‌شود و برعکس تنظیم قدرت داخلی به

۱- همان‌طور که در مقدمه و در بحث چارچوب نظری اشاره شد، مباحث این بخش تحت عنوان ماهیت و چیستی امنیت منعکس‌کننده نظرات نویسندگان می‌باشد و مثال‌های این بخش جهت تبیین این نظریه امنیت از سوی نویسندگان ارائه می‌شود.

صورتی که این استقلال و حاکمیت مورد تهدید و چشم‌داشت هیچ نیروی داخلی یا خارجی نباشد، خود، یک نوع امنیت ایجاد می‌نماید.

مثال اقتصادی: اگر طبق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بنگاه‌داری دولتی مجاز نباشد، هرگونه بنگاه‌داری دولتی و عدم پایبندی کارگزاران دولتی به این نوع رابطه خاص در بردار انسانی، تهدید کننده یک ارزش (عدم دخالت حاکمیت و دولت در حوزه تولید به شکل بنگاه‌داری) و خود، یک ناامنی اقتصادی محسوب می‌شود که حافظان سبک زندگی اسلامی - ایرانی پیشرفت (مسئول حفظ الگو) باید با آن مقابله نمایند.

مثال اجتماعی الگوی پوشش: این‌که یک پوشش خاص مانند حجاب زنان یا پوشش مردان و ظاهر شدن در منظر عمومی در هر جامعه از موضوعات و حوزه‌های امنیت هست، بحثی نیست اما سؤال این است که چرا مثلاً نوع حجاب تعریف شده در کشور ما برای زنان در حوزه اجتماعی خود، امنیت است؛ اما در کشوری مانند فرانسه از عوامل ناامنی تلقی می‌شود؟ پاسخ را باید در الگوهای مختلف سبک زندگی (حاکمیت ارزش‌های متفاوت) در حوزه پوشش در این دو جامعه دانست.

از این‌رو شاید بتوان ادعا کرد یکی از مهم‌ترین مباحث مورد نیاز امروز جامعه ما ترسیم مرزهای مفهومی و ادبیات نظری امنیت بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هست. تدوین، تبیین و پذیرش آن از سوی سیاست‌گذاران، مدیران و آحاد مردم گامی اساسی و بلند در راستای ایجاد امنیتی پایدار، درون‌زا و موجه در کشور خواهد بود و از سوی دیگر هر نوع برخورد با ناامنی را موجه، عقلانی، قابل‌پذیرش از سوی جامعه و غیر قابل مناقشه جلوه خواهد داد.

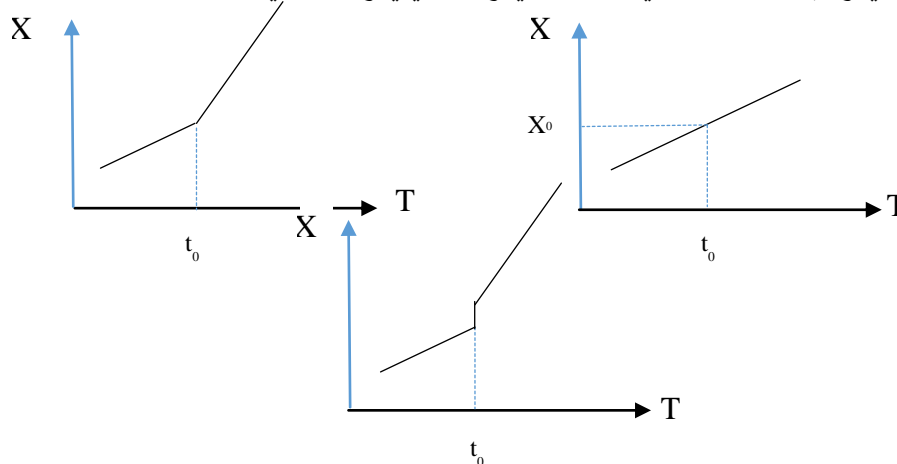
۲- مؤلفه‌ها و شاخص‌های امنیت مؤثر بر اقتصاد دوره جنگ جهانی اول در ایران

مکاتب مختلف در علوم اجتماعی هر یک به نوعی متولی ارائه الگویی از سبک زندگی هستند و همان‌طور که در هستی‌شناسی مفهوم امنیت بیان شد، رفتار بردار انسانی و تنظیم تعاملات اجتماعی آن براساس یک الگوی سبک زندگی، خود، مفهوم و چیستی امنیت است. از این‌رو شناخت مؤلفه‌ها و ابعاد مفهوم امنیت را نیز با توسل به مؤلفه‌ها و ابعاد این الگو می‌توان شناسایی کرد. در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، چارچوب تعاملات بردار انسانی در جغرافیای کشور، همچنین در رابطه با بردار انسانی خارج از کشور باید ترسیم گردد. پس اولین طبقه‌بندی مفهوم امنیت براین اساس می‌تواند دو مفهوم امنیت داخلی و بین‌الملل باشد. براین اساس حفظ استقلال و عدم تهدید از سوی قدرت‌های خارجی یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت است که با توجه به موقعیت جغرافیایی، جمعیت و وسعت کشور همواره با ناامنی‌های مرتبط با آن مواجه بوده و هستیم. در دوره جنگ جهانی اول کشور به طور عمده با این نوع ناامنی مواجه شد که در بخش‌های بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به همین ترتیب به نسبت تعریف و تحدید نوع سبک زندگی در ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی که شامل ابعاد اقتصادی (مانند فضای کسب و کار، نظام مالکیت، نظام پولی و بانکی و ارزی، نظام کار و دستمزد، نظام تأمین اجتماعی و سایر خرده نظام‌های اقتصادی الگو)، ابعاد سیاسی (شامل نظام انتخاب حاکمان، نظام نظارت بر حاکمان، نظام پاسخگویی و سایر خرده نظام‌های سیاسی)، ابعاد آموزش و فرهنگ، نظام علم و فن‌آوری و غیره می‌شود، با امنیت و ناامنی و در سطحی با بحران ناامنی در این حوزه‌ها مواجه هستیم. نظام حقوقی متولی بیان و تصریح این چارچوب‌های رفتاری است. به عبارتی قوانین در

قلمرو یک حکومت نهادهای رسمی محسوب می‌شوند که عدم پایبندی به آن‌ها و نقض آن‌ها به منزله عدم تعهد به ارزشهای اصیلی است که تهدیدی بر ضد این ارزشها محسوب می‌شود و قانونگذار مجازات این بازی خلاف قاعده در جامعه را مشخص می‌نماید. بر این اساس هر نقض قانونی را به منزله یک ناامنی در جامعه می‌توان دانست. با این تعریف از امنیت و ناامنی، هر نقض قانون را می‌توان شاخصی برای فقدان امنیت لحاظ کرد.

۱-۲- مفهوم بحران، بحران امنیتی و بحران اقتصادی

در الگوهای نظری اقتصاد متعارف، تعادل به وضعیتی از متغیرهای اقتصادی اطلاق می‌شود که در مقدار بهینه خود هستند. تولید بهینه، اشتغال بهینه، دستمزدها و قیمت بهینه و ... این تعادل اقتصادی معادل با کسب حداکثر رفاه برای آحاد طبقات و افراد جامعه می‌باشد. در این تعادل رابطه متغیرهای اقتصادی با هم و میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر هم نیز مشخص می‌شود؛ بر این اساس، روند و آهنگ حرکت بلند مدت هر متغیر اقتصادی نیز مشخص می‌شود. به عبارتی هر متغیر اقتصادی مانند رشد اقتصادی، روند و مسیر حرکت بلند مدت بهینه نیز دارد؛ اما ممکن است رابطه بلندمدت متغیرهای اقتصادی به علل مختلف با هم در طول زمان تغییر نماید. این تغییر به علت ورود متغیر جدید به نظام یا یک شوک بیرون‌زا به آن می‌تواند به وجود بیاید و بر اثر آن رابطه بلندمدت متغیرها با هم و حتی مسیر بلندمدت یک متغیر تغییر نماید:



به عنوان مثال در نمودار فوق در لحظه t_0 روند حرکت متغیر X در طول زمان به علت یک یا چند عامل (اقتصادی یا غیر اقتصادی) تغییر می‌نماید؛ بنابراین در t_0 روند X با یک شکست ساختاری مواجه می‌شود. حال براساس این تعبیر اقتصادی، می‌توان بحران در یک متغیر را به آستانه‌ای خاص از تغییرات یک شاخص یا متغیر نسبت داد. t_0 را می‌توان زمان بروز بحران دانست: زمانی که روند بلند مدت متغیر دچار تغییر ساختاری می‌شود یا مقدار متغیر از یک حد و آستانه عبور می‌نماید (مانند t_0 که بعد از آن X از X_0 عبور می‌نماید). این وضعیت جدید متغیر X می‌تواند روند بلند مدت برخی دیگر از متغیرهای نظام را تغییر دهد یا حتی منجر به وقوع بحران در وضعیت آن‌ها شود.

۲-۲- تعیین آستانه‌ها و مقادیر بحرانی و سیستم‌های هشداردهنده امنیتی- اقتصادی

پیش‌بینی رسیدن به حد آستانه یا وقوع بحران در وضعیت یک متغیر و شاخص اجتماعی از نگاه امنیتی و اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. بررسی پیشینه تاریخی رابطه متغیرها در وضعیت بحرانی، کمک به توسعه سیستم‌های هشداردهنده امنیتی و اجتماعی می‌نماید. این سیستم‌ها به مانند آژیر خطری هستند که سیاست‌گذاران حکومتی در حوزه مربوطه را متوجه وقوع احتمالی بحران می‌نمایند. استفاده از این سیستم‌ها و آگاهی‌های حاصل از آن به جامعه، آمادگی جهت مواجهه با شرایط خاص را می‌دهد.^۱

۱- برای مطالعه و آشنایی بیشتر با این موضوع به «طراحی مجموعه شاخص‌های کمی جهت شناسایی بیماری و اهم راه‌کارهای قابل اتخاذ جهت مهار بیماری هلندی» از مجموعه گزارش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس تألیف محمد نعمتی و همکاران (بهمن ۱۳۹۱) مراجعه شود.

۲-۳- امنیت و بحران‌های امنیتی ایران در دوره جنگ جهانی اول

همه الگوهای سبک زندگی در هر دوره زمانی و در هر مکانی به‌طور کامل در یک جامعه محقق نمی‌شوند و همواره افراد، گروه‌ها یا کشورهایی متعرض یک الگوی سبک زندگی خاص می‌شوند؛ بنابراین مسئله امنیت و ناامنی متوجه هر الگوی سبک زندگی می‌باشد. به‌عبارت دیگر زندگی بردار انسانی در یک جغرافیای خاص همواره با میزانی از ناامنی‌ها مواجه است و زندگی اقتصادی-اجتماعی و رابطه بین متغیرهای آن در همین بستر شکل می‌گیرد. بدیهی است رابطه بین شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی با شاخص‌ها و متغیرهای مبین امنیت و ناامنی، رابطه‌ای دو سویه است: وضعیت و بهبود اقتصاد بر وضعیت و بهبود امنیت (پایبندی به الگوی سبک زندگی موجود) تأثیرگذار است و از سوی دیگر وضعیت و بهبود امنیت (ثبات در الگوی ثبت زندگی) بر وضعیت و بهبود اقتصادی تأثیرگذار هست.

جنگ جهانی اول در ۱۲۹۳ هجری شمسی (۱۹۱۴ میلادی) به بهانه کشته شدن ولیعهد اتریش شروع شد. در این جنگ کشورها در دسته متفقین (انگلیس، ایتالیا، بلژیک، پرتغال، روسیه، آمریکا، رومانی، ژاپن، صربستان، فرانسه، مونته‌نگرو و یونان) با دول محور (آلمان، اتریش، مجارستان، عثمانی و بلغارستان) در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند. صف‌آرایی و جنگی که چهار سال به درازا کشید و با پیمان صلح پاریس و پیمان ورسای در ۱۲۹۷ (ژوئن ۱۹۱۹ میلادی) متوقف شد. هرچند که موضع کشور ما در این جنگ بی‌طرفی بود، اما بخش‌هایی از کشور اشغال شد و پیامدها و آسیب‌های جدی به زندگی اقتصادی-اجتماعی مردم ما تحمیل شد. احمدشاه قاجار سه روز پس از شروع جنگ، بی‌طرفی ایران در این جنگ را اعلام کرد و مستوفی‌الممالک که

طرفدار بی‌طرفی در جنگ بود، به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی شد. برخلاف اعلام بی‌طرفی، نیروهای روس از شمال، نیروهای انگلیس از جنوب و عثمانی‌ها از غرب وارد کشور شدند. بدین ترتیب کشور نزدیک سه سال گرفتار اشغال نظامی، مداخله‌های سیاسی، قحطی و آسیب‌های جدی شد. (بهار، ۱۳۷۹: ۱/۱۹). مهم‌ترین پارامترهایی که در این پژوهش به‌عنوان چالش‌های امنیتی در دوره ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۷ مورد توجه قرار می‌گیرد، عبارتند از:

حاکمیت ملی؛

تهدید جان انسان‌ها؛

تهدید مالکیت‌ها؛

شورش‌های محلی؛

تهدید نظام تولید؛

تغییر دولت‌ها؛

امنیت راه‌ها؛

تغییر حاکمیت و نظام سیاسی.

۲-۳-۱- نقض حاکمیت ملی

برخلاف اعلام بی‌طرفی کشور در جنگ جهانی اول، کشور صحنه درگیری‌های نیروهای سه قدرت روسیه، عثمانی و انگلیس شد (کسروی، ۱۳۸۷: ۵۸۹). با حذف عثمانی از بازی قدرت، روسیه و انگلیس مواضع خود در ایران را بیش از پیش تحکیم و تثبیت نمودند. در سال ۱۲۹۳ / ۱۹۱۵ این دو دولت در خصوص تقسیم غنیمت ایران پیمانی سری با هم بستند (دیگار، ۱۳۷۸: ۵۳). (از این باب می‌گوییم غنیمت، که در این پیمان اسمی از استقلال ایران برده نشده است) که براساس آن منطقه میدان‌های نفتی جنوب در کنترل انگلیس باشد و در مقابل روسیه در منطقه نفوذ خود (شمال ایران) آزادی عمل داشته باشد. به‌عبارت دیگر، به نوعی شمال ایران ضمیمه خاک روسیه

محسوب می‌شود و جنوب ایران در کنترل و تحت اداره انگلیسی‌ها قرار گیرد (کارلبری، ۱۳۸۰: ۵۴). بدین ترتیب می‌توان بیان کرد که اشغال کشور و نقض حاکمیت آن اولین و مهم‌ترین اثر جنگ بر منظومه امنیت ایران در این دوره محسوب می‌شود. با تعریفی که از بحران امنیتی در بخش دوم مقاله شد، واضح است که این تاریخ را می‌توان یک نقطه عطف در مسیر بلندمدت امنیت از بعد استقلال ملی لحاظ کرد.

۲-۳-۲- تهدید جان و آزادی‌های مردم

از دیگر آثار فوری جنگ بر امنیت جامعه ایرانی، تلفات انسانی و به بیگاری گرفتن نیروی انسانی کشور توسط نیروهای اشغال‌گر بوده است. آماری از تلفات انسانی ایران به علت درگیری مستقیم در جنگ ذکر نشده است؛ اما تلفات ناشی از قحطی زمستان ۱۲۹۷ش. را می‌توان از آثار و پیامدهای جنگ برای ایران دانست. تولید کشاورزی که به سختی کفاف آحاد جامعه ایران را می‌داد، طی سال‌های جنگ باید تکافوی نیروهای خارجی را هم می‌داد. بدیهی است که کمبود و نایاب شدن غذا آثار دهشتناکی بر جامعه ایران گذاشت. تلفات ناشی از این قحطی به ادعای بالفور (به نقل از فوران: ۲۹۶) بین یکصد هزار تا دو میلیون نفر بوده است؛ اما محمدقلی مجد در کتاب مفصل خود با نام قحطی بزرگ در ایران به تفصیل به بررسی همه شواهد، گزارش‌ها و آمار در این خصوص پرداخته و در نهایت در جمع‌بندی خود آمار این تلفات را بین هشت تا ده میلیون نفر برآورد کرده است (مجد، ۲۰۰۳: ۱). هر چند که بین حداقل و حداکثر این آمار تفاوت زیادی وجود دارد (تلفات یک درصد تا پنجاه درصد جمعیت کشور)؛ اما همان آمار تلفات حداقلی یا میانه این تعداد تلفات، بر اثر جنگی که کشور در آن بی‌طرف بوده وحشتناک است. به غیر از این تلفات، ارتش‌های متخاصم

دهقانان را به زور به جاده‌سازی و سایر بیگاری‌های نظامی وا می‌داشتند (فوران، ۱۳۷۷: ۲۹۶) و البته بازهم آماری از این رفتار برده‌گونه ثبت نشده است؛ اما به هر حال، الگوی زندگی و الگوی امنیت جامعه از این بعد هم از جنگ آسیب دیده است.

۲-۳-۳- تهدید مالکیتها (مصادره انبارهای غله)

جنگها بدون پشتیبانی‌های سنگین امکان تداوم ندارد. برای جنگهای بزرگ این پشتیبانی نقش تعیین‌کننده در سرنوشت جنگ دارد و بالتبع در شرایطی مانند جنگ جهانی اول همه قید و بندهای حقوقی و اخلاقی کشور اشغال شده توسط ارتش‌های متخاصم جهت تأمین تدارکات لازم برای نیروهایشان، زیر پا گذاشته می‌شود. بدیهی است اولین نقض این حقوق در حقوق مالکیت به وقوع می‌پیوندد.

ارتش‌های متخاصم محصولات کشاورزی، دامی و خود دامها را مصادره می‌کردند (کسروی، ۱۳۷۸: ۶۹۸) در چنین شرایطی حقوق مالکیت بسیار متزلزل شده و یکی از پایه‌های امنیت کشور دچار فروپاشی می‌شود. از سوی دیگر در چنین شرایطی و براساس این تضعیف حقوق از سوی ارتش‌های متخاصم، فضا برای ایجاد شورش‌های محلی (مجد، ۲۰۰۳: ۵) و راهزنی‌ها در راه‌ها بسیار مساعد شده بود. شاید بتوان ادعا کرد که این دوره یکی از بدترین دورانها برای احترام به حقوق مالکیت خصوصی در کشور بوده است.

۲-۳-۴- تهدید دولتها

از دیگر ابعاد مفهوم امنیت، ثبات و تداوم در فعالیتهای دولت (به نمایندگی از مردم و حاکمیت سیاسی) است. هرگونه تردید در تداوم مسئولیتها بدون شک به صورت سم و زهری در مجموعه اداری کشور، مانع از خدمت‌رسانی مناسب حکومت خواهد شد. عدم اطمینان دولتمردان و

مدیران کشور از آینده شغلی و مسئولیت خود سدی آهین در مقابل انگیزه فعالیت و تلاش در راستای بهبود و تغییر شرایط می‌باشد. از آثار جنگ جهانی در ایران زلزله در حکومت و کابینه‌های آن بوده است (شمیم، ۱۳۷۴: ۵۵۴). بین ۱۲۸۸ تا ۱۳۰۰ ش. (۲۱-۱۹۰۹ م) بیش از پنجاه بار کابینه دولت‌ها تغییر کرده است (فوران، ۱۳۷۷: ۲۹۷). با این شرایط متزلزل سیاسی و اجتماعی، احمدشاه قاجار در وضعیتی اسفناک قرار می‌گیرد. این تغییرات می‌تواند به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم برای بعد امنیت سیاسی کشور تلقی شود که غیر قابل مقایسه با دوران قبل و بعد از خود می‌باشد. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش. / ۱۹۲۱ م. را شاید بتوان به نوعی پایانی بر این نابسامانی سیاسی کشور دانست (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۱۰). می‌توان گفت، اوضاع آشفته و نابسامان به نوعی زمینه را برای کودتا فراهم کرد. تغییر حکومت و آغاز قدرت رضاخان را می‌توان از پیامدهای مهم جنگ جهانی اول در ایران دانست؛ به هر حال، این شاخص در این دوره با بحرانی‌ترین وضعیت خود مواجه است و نقطه عطفی در امنیت سیاسی کشور می‌تواند محسوب شود.

۲-۳-۵- امنیت راه‌ها

وجود شبکه راه‌های مناسب و امن یکی از پیش‌نیازهای پویایی یک اقتصاد و رشد فعالیت‌ها و مبادلات اقتصادی می‌باشد. بدون وجود این شبکه، جابه‌جایی افراد و انتقال مازادهای تولید و جبران کمبودها به سختی و با هزینه‌های بسیار زیاد صورت می‌گیرد. اشغال کشور و ورود نیروهای نظامی دول خارجی به‌معنای اشغال و مسدود شدن بسیاری از راه‌های مبادلاتی کشور می‌شود. طبق گزارش‌های موجود بر اثر جنگ بیشتر راه‌های مواصلاتی کشور مسدود شدند. هم‌چنین بسیاری از راه‌ها تخریب شدند (همان: ۱۳۵ و

کسروی، ۱۳۷۸: ۷۰۶). به عبارت دیگر ظرفیت خدمات بخش شبکه راه‌های کشور به‌شدت در این دوره کاهش یافت. از سوی دیگر در پی تضعیف دولت و از هم پاشیدگی سیاسی کشور، راهزنی و ناامنی در شبکه راه‌های کشور گسترش یافت (همان: ۱۳۵)؛ بنابراین هر سه عامل: اشغال ظرفیت راه‌ها توسط بیگانگان، تخریب به‌واسطه جنگ و راهزنی‌ها به‌شدت به امنیت راه‌ها آسیب وارد ساخت و وجهی دیگر از ابعاد ناامنی در جامعه ایران بروز یافت.

۲-۳-۶- تهدید سبک تولید

تولید و رشد آن در یک کشور به وجود عوامل تولید مناسب و روابط عادلانه بین عوامل تولید بستگی دارد. همان‌طور که تغییر در عوامل تولید یا تغییر روابط بین عوامل به تغییر در مقدار تولید منجر می‌شود، هرگونه تهدید روابط عادلانه عوامل تولید و آسیب به عوامل تولید، به نوعی تهدید سبک تولید محسوب می‌شود. جنگ جهانی اول تغییرات و آسیب‌های جدی هم به عوامل تولید و هم به روابط بین عوامل تولید در اقتصاد ایران وارد ساخت. تلفات انسانی (که در بخش ۳-۱-۱-۱- به آن اشاره شد) به معنای خارج شدن بخش مهمی از نیروی کار آموزش دیده و تربیت شده است که جبران آن در کوتاه مدت میسر نیست و تولید ملی که بخش کشاورزی در دوره جنگ، بخش مهم آن بوده است، از این ناحیه دچار مشکلات جدی شد. از سوی دیگر آن روی سکه اشغال نظامی کشور، آسیب وارد شدن به زمین‌های کشاورزی و شبکه راه‌ها به‌عنوان دیگر عوامل مهم تولید در کشور بود. تهدید مالکیت خصوصی به‌واسطه جنگ به‌معنای از بین رفتن مالکیت عوامل تولید و از بین رفتن انگیزه تولید بود. در شرایطی که نظام سیاسی کشور نتواند از حق مالکیت خصوصی دفاع نماید و محصول تولید شده از ناحیه تصرف نیروهای خارجی و دستاندازی راهزنان و صاحبان قدرت در تهدید

است، انگیزه‌ها برای کار و تلاش بیشتر از بین می‌رود. به همین علت است که میزان و ارزش تولید کشاورزی کشور حتی تا ۱۳۰۴ هجری شمسی به تولید دوره قبل از جنگ برنگشت (فوران، ۱۳۷۷: ۲۹۶). همین گزارش فوران شاهی بر حجم و گستردگی تهدید الگوی تولید کشور به واسطه جنگ جهانی اول است که خود بروز فجایعی دیگر در کشور را رقم زد که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد.

۳- پیامدهای اقتصادی بحران امنیت

این مقاله قصد ندارد به بررسی توجیحات و استدلال‌های مکاتب مختلف اقتصادی در خصوص تبیین شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی بپردازد؛ اما براساس مبانی نظری رشد اقتصادی که در بخش نخست مقاله به آن اشاره کردیم، می‌توان به عوامل زیر به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اقتصادی که بر ثبات و رشد بلندمدت اقتصاد کشور در مکاتب اصلی اقتصاد (کلاسیک و نهادگرایان) مورد توجه است، اشاره کرد. تغییرات معنادار در این متغیرها می‌تواند یک نوع بحران اقتصادی تلقی شود و البته باید توجه داشت که این متغیرها خود با یکدیگر نیز مرتبط هستند:

- تغییرات نیروی کار
- مالیات‌ها
- تورم (افزایش سطح عمومی قیمت‌ها)
- تجارت خارجی و درآمدهای گمرکی
- نرخ ارز
- دستمزدها
- وسایل حمل و نقل
- فقر (تعداد تهیدستان)

- قحطی

- سرمایه اجتماعی

- امید به زندگی و جمعیت

- تولید کشور (کشاورزی و صنعت)

۳-۱- بهداشت، امید به زندگی و جمعیت

جمعیت و نیروی کار مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی محسوب می‌شوند و هرگونه عدم توجه به این عامل و هرگونه آسیب به آن به سرعت تولید و رشد اقتصادی را حتی در کوتاه‌مدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. عمده برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در راستای تقویت و رشد این نیروی مهم در کشورها به اجرا گذاشته می‌شود: بهداشت و سلامت نیروی انسانی، آموزش و ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی، پرورش استعدادها و امور فرهنگی و غیره. اولین آسیب و پیامد جدی جنگ جهانی اول به اقتصاد ایران، آسیب و پیامد آن برای نیروی انسانی یا همان سرمایه ارزشمند انسانی کشور بود. طی این دوره تا پایان قحطی بزرگ دو سال پس از جنگ، کشور بین هشت تا ده میلیون تلفات نیروی انسانی داشت (مجد، ۲۰۰۳: ۱).^۱ مرگ و میری وحشتناک که به نظر می‌رسد، نسبت به جمعیت حدود بیست میلیون نفری کشور سابقه‌ای نداشته است. شیوع بیماری‌های آنفلوآنزا، تیفوس و... نشان از وضعیت اسفناک بهداشتی کشور در این دوره است. با ادبیات امروزی با این تلفات و وضعیت بهداشتی کشور، مشخص است که شاخص امید به زندگی سقوط فاحشی داشته است:

۱- گرچه در کتب دیگر مانند کتاب جان فوران این تلفات بین یکصد هزار تا دو میلیون نفر برآورد شده است اما استدلالها و شواهد آقای مجد به نظر نادرستی این ادعاها رد می‌نماید. برای مطالعه بیشتر می‌توان به فصل دوم و سوم کتاب «قحطی بزرگ سالهای ۱۹۱۷-۱۹، بررسی اسنادی» تألیف آقای محمد قلی مجد مراجعه کرد. این دو فصل توسط خانم معصومه جمشیدی ترجمه شده و در فضای مجازی ارائه شده است.

«هنوز جنگ با قشقایی‌ها به پایان نرسیده بود که حمله مخوف آنفولانزا هم فاتحان و هم مغلوبان را از پا انداخت. این بیماری در شیراز بسیار مهلکتر پدیدار شد. نخست نمی‌دانستیم این بیماری که قشون را در شیراز و فیروزآباد مبتلا کرده بود، نیمی از جمعیت شهر را از پای درخواهد آورد» (سایکس، ۱۳۹۱: ۱۳۴۶/۲).

حدود چهل سال طول کشید تا کشور مجدداً به جمعیت سال ۱۲۹۳ یعنی سال شروع جنگ جهانی اول برسد:

«بریر، جمعیت سال ۱۹۳۰م. را دوازده و نیم میلیون نفر (چارلز، هارت سفیر آمریکا سیزده میلیون نفر) تخمین زده است. رقم سال ۱۹۴۱ م. چهارده میلیون و هشتصد هزار نفر است (لویی جی. دریفوس، سفیر آمریکا رقم پانزده میلیون نفر را به دست داده است). در سرشماری ۱۹۵۶ م. بود که جمعیت ایران به بیست میلیون و چهار صد هزار نفر رسید» (همان: ۵۳).

اثر این فاجعه به لحاظ اقتصادی آن‌گاه بیشتر نمایان می‌شود که این زیان کشور از فقدان نیروی کار را نه فقط در یک دوره زمانی، بلکه اثر آن در کاهش جمعیت کشور طی حداقل یکصد سال گذشته لحاظ شود.

۳-۲- وسایل حمل و نقل

تمام حمل و نقل کشور تا دوره جنگ جهانی اول در کشور و آنچه بین ترکیه، عراق، افغانستان و ایران انجام می‌شد به وسیله چارپایان بود:

«تنها روش حمل و نقل کالاها در ایران روش به-کارگیری چارپایان است. در قسمت‌های مختلف مملکت و در ایام مختلف از شتر، استر، یابو و الاغ برای حمل بار استفاده می‌شود. ... بار و نرخ بار بستگی تمام به طبیعت سرزمین یا فصلی از سال دارد» (ایران - یادداشت توسط ای. ف.

لاو، راجع به تجارت انگلیس و رقابت خارجی، ۱۸۸۹، به نقل از عیسوی ص. ۲۹۵-۶).

بنابراین طبیعی است در شرایطی که جنگ جهانی اول باعث از بین رفتن چارپایان باربر و صادره بسیاری از آنها توسط نیروهای اشغالگر شده است (فوران، ۱۳۷۷: ۲۹۶). فقدان وسایل حمل و نقل باعث ضربه خوردن به تولید و عدم امکان جابه‌جایی مازادها خواهد شد؛ البته متأسفانه گزارش دقیقی از تعداد و مقدار این مصادره‌ها و آسیب‌ها ثبت نشده است. آنچه مشخص است اشغال کشور از شمال، جنوب و غرب توسط نیروهای اشغالگر، به مواد غذایی، وسایل حمل و نقل و نیروی انسانی به بیگاری گرفته شده قابل توجه، نیاز داشته است که از اقتصاد ایران برآورده شده، اقتصادی که خود در تأمین نیازهای خود با مشکلات اساسی مواجه بوده است. بدین ترتیب از این جهت هم جنگ جهانی اول به اقتصاد ایران آسیب‌های جدی وارد ساخته است.

۳-۳- نیروی کار

تلفات انسانی دوره جنگ گرچه به تفکیک سن و جنس ذکر نشده و متأسفانه به‌صورت برآوردهای کلی طرح شده است، اما اگر ده درصد این تلفات را هم نیروی فعال کار (غیر زنان شاغل و کودکان و افراد مسن) در نظر بگیریم، با توجه به برآوردهای تلفات که در بخش ۳-۱- به آن اشاره شد، فقدان نیروی کار چند صد هزار نفری (تا یک میلیون نفری) برای یک اقتصاد تولیدی مبتنی بر بخش کشاورزی بدون شک فاجعه‌ای بسیار بزرگ و غیر قابل جبران می‌باشد.

۳-۴- سرمایه اجتماعی^۱

گرچه در مطالعات کلاسیک اقتصاد فقط به سرمایه فیزیکی و نیروی انسانی به‌عنوان عوامل

1 - Social capital

مهم و اساسی تولید اشاره می‌شود، اما مطالعات اخیر اقتصادی نشان داده است که با اتکا به این عوامل همه تفاوت‌ها در نرخ‌های مختلف رشد اقتصادی میان کشورها و مناطق را نمی‌توان تبیین نمود؛ از این‌رو این اختلافها را به عامل سومی به نام سرمایه اجتماعی نسبت می‌دهند.^۱ سرمایه اجتماعی به روابط و نوع تعاملات بین افراد در جامعه اشاره دارد: صداقت، راستگویی، اعتماد، درستکاری و... مضامینی هستند که در جستارهای رشد اقتصادی مبین بخش قابل توجهی از تفاوت سطح رفاه و تولید کشورها هستند. هرگونه آسیب به این سرمایه به راحتی قابل جبران نیست و ایجاد آن در یک بستر تاریخی و زمانی قابل توجه شکل می‌گیرد.

از میان گزارش‌های ثبت شده از دوره جنگ مشخص می‌شود که این سرمایه کشور به شدت آسیب دیده است. بی‌توجهی به هم‌نوع، عدم درستکاری، احتکارها و...^۲ مصادیقی هستند که نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی کشور با بروز جنگ در کشور دچار آسیب شد. آسیبی که ترمیم آن حداقل در کوتاه مدت میسر نبوده است.

۳-۵- تورم

در عصر حاضر اغلب تورم‌ها را پدیده‌ای پولی تفسیر می‌نمایند؛ به این معنا که عدم رعایت رابطه مناسب بین خلق پول و رشد اقتصاد منجر به افزایش عمومی سطح قیمت‌ها می‌شود. اما نمی‌توان ادعا کرد که تورم پدیده‌ای نوظهور (پس از ظهور پول اعتباری^۳) است. بررسی پدیده جنگ جهانی اول در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که در این دوره کشور با یک افزایش عمومی سطح قیمت‌ها مواجه شده است (کسروی، ۱۳۷۸: ۷۷۱). این افزایش

۱- برای مطالعه بیشتر در این خصوص به منبع زیر می‌توان مراجعه کرد: اعتمادی، منصور (۱۳۹۱). جایگاه پیوند سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۲- گزارش‌های کتاب فوران و قحطی بزرگ در ایران محمد قلی مجد.

3- Fait money

سطح قیمت‌ها را نمی‌توان به جانب تقاضا (به علت افزایش نقدینگی) نسبت داد، برعکس ریشه این افزایش در جانب عرضه بوده است. آسیب‌های جدی به عوامل تولید، فضای کسب و کار و ... به سقوط تولید کشور و در نتیجه به کمبود در جانب عرضه کشور منجر شده بود. بدیهی است در چنین شرایطی قیمت‌ها در بازار به نسبت اهمیت‌شان برای ادامه حیات افراد و به نسبت شدت رقابت و نزاع برای کسب‌شان توسط مردم، سیری صعودی خواهند داشت. در این میان بهای مواد غذایی و غلات یکی از بیشترین افزایش قیمت‌ها را داشته است و طی چند سال جنگ چهار برابر شده بود.

«نامه پدر یسوپ مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۱۷ از تبریز حاوی اطلاعات با ارزشی است. او درباره قحطی می‌نویسد: جوشش و ناآرامی در کل جامعه مشهود است. با افزایش مستمر قیمت‌ها، اوضاع نیز به تدریج بدتر می‌شود. خشکسالی زمستان و بهار گذشته منجر به کاهش محصول شد و در این میان صدور دام و مواد غذایی مستمراً ادامه داشت... در ماه سپتامر بهای غلات بیش از دو برابر شد. اکنون تقریباً چهار برابر شده است...» (مجد، ۷: ۲۰۰۳-۲۶).

فصل شانزدهم کتاب گنج شایگان محمدعلی جمالزاده هم آمار و ارقام جالبی از مقایسه نرخ برخی از ارزاق و اجناس ارائه کرده است که نشان می‌دهد قیمت‌های مذکور در سال‌های پایانی جنگ قابل مقایسه با سال‌های قبل از جنگ نیست.

۹ ربیع الاول سال ق. ۱۳۳۵هـ		۱۲ ذی‌الحجه ق. ۱۳۳۳هـ		۲ ربیع الاول سال ۱۲۷۱هـ ق.		کالا	ردیف
حد اقل	حد اکثر	وزن	قیمت	وزن	قیمت		
					۲۳ قران	خروار گندم ساوج بلاغی	۱
					۲۰ قران	خروار گندم شهری	۲
			۱۳۵ قران	خروار		خروار گندم حد وسط	۳
۲۶۰	۱۵۰	خروار			خروار	خروار گندم	۴

ردیف	کالا	۲ ربیع الاول سال ۱۲۷۱ ق.ه		۱۲ ذی الحجه ۱۳۳۳ ق.ه		۹ ربیع الاول سال ۱۳۳۵ ق.ه	
		وزن	قیمت	وزن	قیمت	وزن	قیمت
						حد اقل	حد اکثر
۵	جو	خروار	۱۲ قران	خروار	۸۱ قران	قران	قران
۶	کاه	خروار	۶ قران	خروار	۱۳ قران	قران	قران
۷	ذغال	خروار	۱۶/۲۵ قران	خروار	۸۰ قران	قران	قران
۸	نان	من	۱۰ پول				
۹	گوشت	من	۱۰۰۰۰ دینار				
۱۰	برنج	من	۱۰ شاهي و نیم	خرواري	۲۳۰ قران		
۱۱	برنج زردچه			من		قران	قران
۱۲	برنج سفید			من		قران	قران
۱۳	برنج خرده			من		-	قران
۱۴	برنج گرده			من		-	قران
۱۵	روغن	من	۲ پل	من ري	۶۴/۲۵۰ قران	قران	قران
۱۶	هیزم	خروار	۸ قران	خروار	۳۲ قران	قران	قران
۱۷	بنیر	من	۱ قران و ۱۰ پول				
۱۸	بنیر برچک			من		قران	قران
۱۹	بنیر خیکی			من		-	قران
۲۰	یونجه			خرواري	۴۰/۵۰ قران	خروار	قران
۲۱	نفت			من ري	۹ قران	من	قران
۲۲	قند			دو من	۱۹/۶۵ قران	تبريزي	قران
۲۳	چاي			گيروانکه	۹/۲۰۰ قران	تبريزي	قران
۲۴	نخود			خرواري	۳۵۰ قران	من	قران
۲۵	لوبيا			خرواري	۱۵۰ قران		
۲۶	لوبيا					من	قران

۹ ربیع الاول سال ۱۳۳۵ ق.		۱۲ ذی الحجه ۱۳۳۳ ق.		۲ ربیع الاول سال ۱۳۲۷ ق.		کالا	ردیف
حد اقل	حد اکثر	وزن	قیمت	وزن	قیمت		
						قرمز	
			۸۱ قران	خرواری		ماش	۲۷
۱۲ قران	۱۰/۵ قران	۴ من	۱۵۸ قران	خرواری		عدس	۲۸
۱۰ قران	۹ قران	۴ من	۳۵۰ قران	خرواری		لپه	۲۹
۳۵۰ قران	۳۰۰ قران	خروار	۱۲۳ قران	خرواری		کشمش	۳۰

(منبع: جمالزاده ۱۳۶۲: ۸-۱۸۵)

البته با توجه به هدف مرحوم جمالزاده که فقط قصد جمع‌آوری و ضبط داده‌های تاریخی کشور را داشته است، ایشان تحلیلی از چرایی این افزایش فاحش قیمت‌ها را ارائه نکرده است؛ اما مطالعات و توجیحات این مقاله نشان می‌دهد این تورم فاحش از پیامدها و ارمغان‌های جنگ جهانی اول برای اقتصاد ایران بوده است.

۳-۶- افزایش دستمزدها و سقوط صنعت

افزایش دستمزدها به‌طور ساده می‌تواند از دو ناحیه باشد، گاهی این افزایش ناشی از بهبود بهره‌وری نیروی کار^۱ است که خود، منجر به افزایش تولید می‌شود. بدیهی است در شرایطی که تولید به سبب توانایی‌ها و مهارت‌های انباشته شده نیروی کار افزایش می‌یابد، باید سهم وی نیز از این افزایش تولید به شکل افزایش دستمزدها افزایش یابد؛ اما گاهی دستمزدها نه به خاطر افزایش بهره‌وری، که به سبب کاهش نیروی کار و کاهش تولید، افزایش می‌یابد. در دوره جنگ جهانی اول با توجه به آسیب‌های جدی وارد شده به نیروی کار و تلفات نیروی انسانی از این جهت با افزایش دستمزدها مواجه هستیم و صنعت کشور (که عمده آن صنعت فرش بود) به تبع، دچار آسیب‌ها و سقوط جدی شد.

1- Productivity

«صنعتی که در نتیجه قحطی این سالها آسیب سختی دید، صنعت فرش ایران بود و بحث کالدول از صنعت قالیبافی و کمبود شدید نیروی انسانی حاکی از میزان تلفات قحطی بود: «ایران به استثنای قالی هیچ صنعت دیگری ندارد؛ از این رو، تحریم (آلمان) چندان تأثیری در اوضاع اقتصادی ایران ندارد؛ زیرا میزان صادرات قالی ایران به آلمان قابل توجه نیست.» عامل نابودی صنعت فرش ایران «نرخ نامطلوب حاکم بر بازار تبادل ارز و افزایش چشمگیر در حقوق کارگران» بود. قحطی منجر به کاهش چشمگیر نیروی کار (شد) و کارگر ایرانی به «گران‌ترین کارگر دنیا تبدیل شد»^۱ (مجد، ۲۰۰۳: ۵۲).

۳-۷- تولید کشور

سطح تولید مهم‌ترین متغیر اقتصادی است که توان و قدرت کشورها را به نوعی نشان می‌دهد. تعریف این مفهوم، اندازه‌گیری و شاخص‌های آن گرچه خود موضوعی مهم و مناقشه‌برانگیز است، اما در این مقاله قصد پرداختن به آن نیست و با توجه به هدف مقاله ضرورتی هم ندارد. اگر با کمی اغماض شاخص تولید را به زبان ساده میزان ارزش افزوده بخش‌های مختلف به قیمت بازاری طی یک سال در نظر بگیریم، جنگ جهانی اول برای تولید ایران فاجعه‌ای بزرگ بوده است. همه متغیرهایی که در صفحات پیشین مورد بحث قرار گرفت (و مشخص شد که در وضعیت بحرانی قرار گرفته بودند) بر این متغیر اساسی اقتصاد ایران تأثیرگذار بوده‌اند. وقوع بحران در متغیرهای مذکور به وقوع بحران در تولید ایران منجر شده است. تولید کشور که در این دوره

۱- هرچند در این نقل قول افزایش دستمزدها به قحطی نسبت داده شده است اما همان‌طور که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته ریشه این قحطی و تلفات آن را باید در بحران امنیتی جنگ جهانی اول در کشور دانست؛ بنابراین نسبت دادن افزایش دستمزدها به جنگ و یکی از رهاوردهای جنگ جهانی اول برای کشور ادعای بی‌جایی نیست و برعکس تحلیل اقتصادی مناسبی از پیامدهای جنگ می‌تواند محسوب شود.

عمدتاً کشاورزی بوده است، به شدت افت کرده است؛ به طوری که سالها پس از جنگ زمان برده است تا تولید کشور به تولید دوره قبل از جنگ برسد.

«... ایران حتی تا سال ۱۹۲۵ م. ۱۳۰۴ ش. به سطح تولید کشاورزی ماقبل جنگ برنگشت. توسعه صنعتی دستخوش وقفه شد. مردم ایران برای جنگی که خود نقشی در به راه افتادنش نداشتند، بهایی اینچنین سنگینی پرداختند، جنگی که قدرت‌های مسلط بر کشورشان به راه انداخته بودند» (فوران، ۱۳۷۷: ۷-۲۹۶).

«هنگامی که جنگ پایان یافت، ایران از لحاظ اقتصادی و سیاسی ویرانه‌ای بیش نبود» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۱۱).

۴- جمع‌بندی و درس‌های بحران‌های امنیت

استقرار امنیت به معنای استقرار سبکی خاص از زندگی، مهم‌ترین نیاز افراد در جامعه محسوب می‌شود. این سبک زندگی به معنای حاکمیت ارزش‌هایی خاص و نوعی خاص از تعاملات میان افراد در جامعه است. الگوهای توسعه و پیشرفت در هر جامعه‌ای تبلور این ارزش‌ها و مبین این تعاملات در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... می‌باشد. در این مقاله بحث شد که به نظر می‌رسد ماهیت و چیستی مقوله و مفهوم امنیت را باید به این الگو مرتبط دانست؛ بدین صورت که هر نوع تهدید این الگو یا بخشی از آن توسط هر نیرویی می‌تواند نوعی ناامنی تلقی شود. به عبارت دیگر مفهوم‌های ناامنی اقتصادی، ناامنی سیاسی، ناامنی فرهنگی- اجتماعی و ... عطف به یک الگوی توسعه و پیشرفت معنا و تفسیر می‌شود و ایجاد امنیت نیز به پیگیری جهت تحقق این الگو بستگی دارد.

با این تفسیر از مفهوم امنیت، بحران در شاخص‌های امنیت در یک دوره زمانی، گذشتن از یک

آستانه یا دچار یک تغییر قابل توجه نسبت به دوره قبلی تعریف شد و در مقاله به شش شاخص ناامنی که از پیامدهای قطعی جنگ برای کشور بود، اشاره شد و با استناد به گزارش‌های تاریخی در دسترس نشان داده شده که تغییرات این متغیرها با دوره قبل و بعد از جنگ قابل مقایسه نمی‌باشد؛ لذا در دوره جنگ جهانی اول در کشور با یک بحران امنیتی مواجه هستیم: نقض حاکمیت ملی، تهدید جان و آزادی‌های مردم، تهدید مالکیت‌ها و شورش‌ها، تهدید دولت‌ها، ناامنی راه‌ها و سرانجام تهدید سبک تولید در کشور مهم‌ترین متغیرهایی هستند که نشان از وقوع بحران در امنیت کشور داشتند. وقوع بحران امنیتی در دوره جنگ جهانی اول پیامدهای غیر قابل جبرانی بر زندگی ایرانیان گذاشت و گذاشته است. از این جهت می‌گوییم «گذاشته است» که این تصور نادرستی است که در یک نظام اقتصادی- اجتماعی آثار تغییر یک متغیر بر سایر متغیرهای نظام را فقط در زمان وقوع تغییر در متغیر اولیه دانست. تغییر در یک متغیر نظام در دوره‌های مختلف کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت بر ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد. از آثار و پیامدهای مهم بحران امنیت در کشور وقوع بحران و فاجعه در بُعد اقتصادی بود.

در بخش چهارم مقاله تلاش شد تا تغییرات متغیرهای اقتصادی در این دوره مورد بررسی قرار گیرد. در بررسی اسناد و گزارش‌های دوره جنگ مشخص شد که از میان انبوه متغیرهای اقتصادی، هفت متغیر که در میان رویکردهای مختلف اقتصادی در رشد و ثبات اقتصادی تأثیرگذار هستند، در این دوره تغییرات فاحشی داشته‌اند. به عبارت دیگر بحران امنیت در کشور به واسطه جنگ جهانی اول بحران اقتصادی بزرگی برای کشور به همراه داشت که نمود این بحران را در تغییرات فاحش هفت متغیر: - بهداشت، امید به زندگی و جمعیت،

- وسایل حمل و نقل ، - نیروی کار، - سرمایه اجتماعی، - تورم، - افزایش دستمزدها و سقوط صنعت و - تولید کشور نشان داده شد. پیامدهای اقتصادی بحران ناامنی ناشی از جنگ جهانی اول قابل مقایسه با کمتر بحرانی دیگر در تاریخ وقایع اقتصادی ایران است. نکته قابل توجه این است که، حتی به اذعان خود غربی‌ها، آسیب ایران بی‌طرف در جنگ، بیش از هر کشور دیگر درگیر در این مخاصمه اروپایی بود. تجربه این جنگ برای امروز ما بسیار مغتنم است و نشان می‌دهد که اقتدار و استقلال کشور خواسته‌ها و خیرهای^۱ هستند که تولید آن‌ها در اولویت اول کشور باید باشد. کشور فاقد توان عرضه اقتدار و استقلال خود، توان حفظ ارزش‌ها و سبک زندگی خود را نیز نخواهد داشت و در حوزه اقتصادی هم می‌توان گفت توان عرضه «رشد و ثبات اقتصادی» را ندارد.

1- Goods

منابع

- اسلامی، مجتبی؛ درجانی، حسین (تابستان ۱۳۸۸). امنیت در اسلام (مبانی و قالبهای فکری). فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. سال دوم، شماره دوم، صص. ۳۵-۵۸.
- اعتصامی، منصور (۱۳۹۱). جایگاه پیوند سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بهار، ملکالشعرا (۱۳۷۹). تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران. تهران: نشر امیرکبیر.
- پیغامی، عادل (زمستان ۱۳۸۷). رهیافت تلفیقی در طراحی رشته اقتصاد اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲. صص ۲۰۴-۱۷۱.
- جمالزاده، محمدعلی (خرداد ۱۳۶۲). گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران. تهران: نشر کتاب تهران، چاپ اول در تهران.
- جمالزاده، ناصر (تابستان ۱۳۸۷). معناشناسی امنیت در مکتوبات سیاسی فقهای شیعه در عصر مشروطیت. فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم، صص. ۱۷۷-۲۰۲.
- دیگار، ژان پیر (۱۳۷۸). ایران در قرن بیستم. تهران: نشر البرز.
- رایت، سر دنیس (اردیبهشت ۱۳۶۴). انگلیسی‌ها در ایران، ترجمه اسکندر دلد. تهران: انتشارات نهال، چاپ اول.
- ره‌پیک، سیامک؛ زمانی، علی‌اکبر (پاییز ۱۳۸۹). امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. سال سوم، شماره سوم، صص. ۱-۳۰.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۹۱). تاریخ ایران. ترجمه محمد تقی فخر داعی. تهران: نشر نگاه.
- سیف، احمد (زمستان ۱۳۷۳). اقتصاد ایران در قرن نوزدهم. تهران: نشر چشمه، چاپ اول.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۴). ایران در دوره سلطنت قاجار. تهران: نشر افکار.

- عیسوی، چارلز (تابستان ۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران، عصر قاجاریه، ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره، چاپ اول.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۹). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، چاپ هفتم.
- کارلبری، اریک (۱۳۸۰). سی سال مأموریت در کشور پارس. ترجمه باقر آبروش. تهران: نشر جهان رایانه.
- کریمائی، علی اعظم (پاییز ۱۳۸۹). رویکرد ایجابی به امنیت اجتماعی و نقش ناجا در تأمین آن. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. سال سوم، شماره سوم، صص. ۸۹-۱۳۲.
- _____ (تابستان ۱۳۸۶). تأملی در شناخت امنیت اجتماعی. فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی. سال دوم، شماره سوم. صص. ۳۷-۶۶.
- کلهر، رضا (۱۳۸۸). درآمدی بر امنیت انتظامی. تهران: نشر سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پژوهشکده امنیتی انتظامی.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸). تاریخ هیجده ساله آذربایجان. تهران، امیرکبیر.
- فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه تدین، احمد. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.
- مجد، محمد قلی (۲۰۰۳). فحطی بزرگ و مرگ و میر در ایران در سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹. ترجمه معصومه جمشیدی. فایل الکترونیکی دو فصل ترجمه شده در فضای مجازی موجود است و ظاهراً به صورت کاغذی چاپ نشده است.
- معین، محمد (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی معین. تهران، سپهر.
- نیلی احمدآبادی، محمدرضا (زمستان ۱۳۸۷). جایگاه علوم میان رشته‌ای از نظر مباحث علوم تربیتی. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای، سال اول شماره اول.
- وطن‌پور، علیرضا (تابستان ۱۳۸۶). درآمدی نظری به مسئله امنیت ملی فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی. سال دوم، شماره سوم. صص. ۶۷-۹۴.

- وفادار، حسین (پاییز ۱۳۸۹). الگوی توصیفی بحران در نظم و امنیت. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. سال سوم، شماره سوم، صص. ۱۵۷-۱۸۴.
- Acemoglo, daron (2009). Introduction to moderneconomicgrowth.New Jersey: Princeton university press.

